صفحه‌ی تمامی تابلوهای هنری که پیش از کشف‌شدن ابتدایی در انبارهای دیگری پنهان شده بود، در موزه‌ی هنرهای معاصر دره‌سیاه افتتاح شد

(مفتاح‌ها نزدیک در خروجی)

هنرهای تجسمی و معماری | گفت‌وگو با مدیر موزه درباره‌ی معیارهای انتخاب آثار و نحوه‌ی برچسب‌گذاری موقت

مهرداد نیلوفر ـ خبرنگار ویژه

دره‌سیاه ـ موزه‌ی هنرهای معاصر دره‌سیاه روز سه‌شنبه صفحه‌ی تازه‌ای از تاریخ هنر این شهر را گشود. در این صفحه تابلوهایی آویخته‌اند که سال‌ها در انبارهای دیگر موزه‌ها، در زیرزمین‌ها و در اتاق‌های کارمندان بازنشسته مانده بودند. بسیاری از این آثار پیش از این هرگز در معرض دید عموم قرار نگرفته بودند و برخی از آن‌ها در فهرست‌های رسمی موزه نام‌گذاری نشده بودند. مدیر موزه می‌گوید هدف این نمایشگاه نشان دادن این است که موزه فقط جای آثار مشهور نیست و می‌تواند جای آثاری باشد که هنوز فرصت دیده شدن نداشته‌اند.

مدیر موزه، خانم فرناز کیوان‌مهر، در گفت‌وگو با خبرنگار ما گفت که انتخاب آثار حاصل کار تیمی سه‌نفره است و هر اثر پیش از ورود به گالری با مستندات کامل ثبت شده است. او گفت: «ما نخواستیم فقط آثار زیبا را بیاوریم. خواستیم بدانیم هر اثر از کجا آمده، چه کسی آن را نگه داشته و چرا کسی تا امروز جرأت نداشته آن را به دیوار بزند. بخش زیادی از کار ما پاسخ دادن به همین پرسش‌ها بود.» به گفته او، برای هر اثر یک پرونده‌ی کامل تهیه شده که شامل عکس‌های پیش از مرمت، نامه‌های مربوط به خرید یا اهدا و گزارش وضعیت فیزیکی است.

در میان آثار نمایشگاه، چند تابلو رنگ‌روغن از زنی با لباس آبی دیده می‌شود که سال‌ها در انبار موزه ایستاده بود و قاب آن به شکل موقت با مقوا بسته شده بود. کارشناسان می‌گویند این تابلو احتمالاً در دهه‌ی ۱۳۴۰ کشیده شده و ویژگی‌های آن به سبک مکتب دره‌سیاه نزدیک است. در کنار آن، تابلوی دیگری از همان هنرمند قرار دارد که چهره‌ی همان زن را از زاویه‌ای دیگر نشان می‌دهد. موزه قصد دارد این دو اثر را کنار هم بگذارد تا بازدیدکنندگان ببینند چگونه یک هنرمند یک مدل را در دو حال متفاوت ثبت کرده است.

برچسب‌های کنار آثار نیز با روشی متفاوت نوشته شده‌اند. به جای تاریخ خشک و رسمی، هر برچسب شامل یک پاراگراف کوتاه درباره‌ی زمینه‌ی اجتماعی اثر است و نام برخی از مالکان قبلی نیز با اجازه‌ی خانواده‌ها ذکر شده است. موزه اعلام کرده که از ماه آذر یک برنامه‌ی گردشگری ویژه برای دانش‌آموزان دبیرستان‌های منطقه برگزار می‌کند تا معلمان بتوانند این آثار را در کلاس‌های هنر معرفی کنند و دانش‌آموزان خود درباره‌ی ارزش و معنای هر اثر گفت‌وگو کنند.

نمایشگاه تا ۱۸ دی‌ماه ادامه دارد و ورود برای دانشجویان رایگان است. موزه همچنین قصد دارد فهرست کامل آثار را در سایت موزه منتشر کند تا هر کس در هر شهری بتواند آن را مرور کند و اگر اثری را در خانه یا انبار خود دید، به موزه اطلاع دهد. خانم کیوان‌مهر گفت: «بسیاری از این آثار شاید در خانه‌ی کسی باشند که نمی‌داند ارزش فرهنگی دارند. ما می‌خواهیم بدانیم این آثار چه راه طولانی‌ای رفته‌اند تا به دیوار ما برسند.» این پروژه می‌تواند الگویی برای سایر موزه‌های استان نیز باشد.

«مسافر بی‌نام» در ایستگاه ۱۴ ساعت می‌ایستد و هیچ‌کس نمی‌داند چرا

(مسافر بی‌نام در ایستگاه)

مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه درباره‌ی قطار شبانه‌ی ۱۴ ساعت و مسافرانی که هیچ‌کس نام‌شان را نمی‌داند

نسرین آقاجانی ـ گروه فرهنگی

«مسافر بی‌نام در ایستگاه» مجموعه‌ای از ۱۲ داستان کوتاه است که راوی آن قطار شبانه‌ای به نام «ستاره‌ی سحر» است که هر شب از شهر کرانه‌نو به سمت دره‌سیاه حرکت می‌کند و در راه ۱۴ ساعت می‌ایستد بدون هیچ توضیحی. نویسنده، خانم مهسا رادمنش، این قطار را نه فقط وسیله‌ی حمل‌ونقل، بلکه اتاقی می‌داند که آدم‌ها در آن بدون نام، بدون گذشته و بدون آینده با هم روبه‌رو می‌شوند. کتاب در ۲۰۴ صفحه منتشر شده و قیمت پشت جلد آن ۱۸۵ هزار تومان است.

داستان‌ها با زبانی ساده و گاه شاعرانه نوشته شده‌اند و نویسنده کوشیده است از کلمه‌های پیچیده دوری کند. در داستان اول، پیرمردی با کت چرمی و ساعت جیبی می‌خواهد به دخترش بگوید که او را نمی‌شناسد اما دوستش دارد، اما هرگز جرأت نداشته بگوید. در داستان دوم، دو دانش‌آموز دبیرستانی که قرار است برای اولین بار از هم جدا شوند، تمام شب در راهرو قطار قدم می‌زنند و حرف می‌زنند بدون آنکه اسم یکدیگر را بپرسند. این داستان احتمالاً کوتاه‌ترین و تأثیرگذارترین بخش کتاب است.

منتقدان می‌گویند ضعف کتاب در تکرار بیش از حد ساختار است. در ۹ داستان از ۱۲ داستان، قطار ایستگاه می‌ایستد، مسافر ظاهر می‌شود، راوی با او حرف می‌زند و صبح فرا می‌رسد. این الگو در ابتدا جذاب است اما از داستان ششم به بعد قابل پیش‌بینی می‌شود. برخی از داستان‌ها مانند داستان هفتم و هشتم بسیار قوی‌اند و نشان می‌دهد نویسنده می‌تواند فراتر از این الگو بنویسد و اگر این کار را انجام دهد، اثر بسیار ماندگارتر خواهد بود.

در مجموع، «مسافر بی‌نام در ایستگاه» برای خوانندگانی که به داستان‌های کوتاه با فضای کمی غمگین و پر از سکوت علاقه دارند، انتخاب خوبی است. کتاب برای کسانی که دنبال رمان پرماجرا هستند مناسب نیست و حدود ۹۰ دقیقه زمان می‌برد اگر یک نشست خواندش کنید. نسخه‌های چاپی در کتابفروشی‌های دره‌سیاه و آنلاین موجود است و نسخه‌ی صوتی آن هفته‌ی آینده منتشر می‌شود.

«مسافر بی‌نام» در ایستگاه ۱۴ ساعت می‌ایستد و هیچ‌کس نمی‌داند چرا

مهسا رادمنش در گفت‌وگو با ماهنامه‌ی «راه‌آهن و شب» از فرایند نوشتن این مجموعه و انتخاب نام قطار سخن می‌گوید

گفت‌وگو: نیلوفر بهرامی

مهسا رادمنش، نویسنده‌ی ۳۴ ساله‌ی اهل کرانه‌نو، پیش از این دو رمان کوتاه منتشر کرده بود که هر دو در فضای شهری و روزمره می‌گذشتند. او می‌گوید ایده‌ی «مسافر بی‌نام در ایستگاه» زمانی به ذهنش رسید که شبی از پنجره‌ی اتاقش قطار شبانه‌ای را دید که در ایستگاه کوچکی ایستاده بود و هیچ مسافری پیاده نمی‌شد. «فکر کردم اگر آدم‌ها در قطار بدون نام سوار شوند، چه می‌گویند؟ شاید همان حرف‌هایی را بزنند که در روز نمی‌زنند.» این پرسش، به گفته‌ی او، تمام ساختار کتاب را شکل داد.

رادمنش تأکید می‌کند که قطار در کتاب نماد هیچ نهاد خاصی نیست. او نمی‌خواست کسی فکر کند دارد درباره‌ی مدیریت راه‌آهن یا کمبود بودجه می‌نویسد. «قطار فقط جایی است که آدم‌ها مجبورند کنار هم بنشینند و حرف بزنند. من می‌خواستم ببینم وقتی نام از بین می‌رود، چه چیزی باقی می‌ماند.» او گفت که بیشتر داستان‌ها را در اتاق خودش نوشته و فقط چند بار سوار قطار واقعی شده تا فضا را حس کند.

در میان داستان‌ها، داستانی درباره‌ی زنی که هر شب با همان بلیت سفر می‌کند اما هرگز مقصدش را نمی‌داند، بیشتر از بقیه صفحات را گرفته است. رادمنش گفت این داستان را از روی یک آشنا نوشته است بدون اجازه‌ی او و ترسید که خودش هم آن را بخواند. «وقتی چاپ شد، زنگ زد و گفت ناراحت نیست. گفت فکر کرده من او را دیده‌ام.» این داستان به گفته‌ی او تنها داستانی است که بدون ویرایش چاپ شد.

منتقدان نوشته‌اند که زبان کتاب روان و بی‌تکلف است و برای خواننده‌ی عادی خواندنی است. اما برخی ایراد گرفته‌اند که فصل وسط کتاب کمی کش آمده و ریتم داستان در آن افت می‌کند. رادمنش پذیرفت و گفت در نسخه‌ی دوم حدود ۱۲ صفحه حذف شده است. کتاب ۱۸۴ صفحه است و قیمت پشت جلد آن ۱۶۵ هزار تومان است. نسخه‌های چاپی در کتابفروشی‌های دره‌سیاه و آنلاین موجود است و نسخه‌ی صوتی آن هفته‌ی آینده منتشر می‌شود.

«مسافر بی‌نام در ایستگاه» ۱۴ ساعت می‌ایستد و هیچ‌کس نمی‌داند چرا

(مسافر بی‌نام در ایستگاه)

مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه درباره‌ی قطار شبانه‌ی ۱۴ ساعت و مسافرانی که هیچ‌کس نام‌شان را نمی‌داند

نسرین آقاجانی ـ گروه فرهنگی

«مسافر بی‌نام در ایستگاه» مجموعه‌ای از ۱۲ داستان کوتاه است که راوی آن قطار شبانه‌ای به نام «ستاره‌ی سحر» است که هر شب از شهر کرانه‌نو به سمت دره‌سیاه حرکت می‌کند و در راه ۱۴ ساعت می‌ایستد بدون هیچ توضیحی. نویسنده، خانم مهسا رادمنش، این قطار را نه فقط وسیله‌ی حمل‌ونقل، بلکه اتاقی می‌داند که آدم‌ها در آن بدون نام، بدون گذشته و بدون آینده با هم روبه‌رو می‌شوند. کتاب در ۲۰۴ صفحه منتشر شده و قیمت پشت جلد آن ۱۸۵ هزار تومان است.

داستان‌ها با زبانی ساده و گاه شاعرانه نوشته شده‌اند و نویسنده کوشیده است از کلمه‌های پیچیده دوری کند. در داستان اول، پیرمردی با کت چرمی و ساعت جیبی می‌خواهد به دخترش بگوید که او را نمی‌شناسد اما دوستش دارد، اما هرگز جرأت نداشته بگوید. در داستان دوم، دو دانش‌آموز دبیرستانی که قرار است برای اولین بار از هم جدا شوند، تمام شب در راهرو قطار قدم می‌زنند و حرف می‌زنند بدون آنکه اسم یکدیگر را بپرسند. این داستان احتمالاً کوتاه‌ترین و تأثیرگذارترین بخش کتاب است.

منتقدان می‌گویند ضعف کتاب در تکرار بیش از حد ساختار است. در ۹ داستان از ۱۲ داستان، قطار ایستگاه می‌ایستد، مسافر ظاهر می‌شود، راوی با او حرف می‌زند و صبح فرا می‌رسد. این الگو در ابتدا جذاب است اما از داستان ششم به بعد قابل پیش‌بینی می‌شود. برخی از داستان‌ها مانند داستان هفتم و هشتم بسیار قوی‌اند و نشان می‌دهد نویسنده می‌تواند فراتر از این الگو بنویسد و اگر این کار را انجام دهد، اثر بسیار ماندگارتر خواهد بود.

در مجموع، «مسافر بی‌نام در ایستگاه» برای خوانندگانی که به داستان‌های کوتاه با فضای کمی غمگین و پر از سکوت علاقه دارند، انتخاب خوبی است. کتاب برای کسانی که دنبال رمان پرماجرا هستند مناسب نیست و حدود ۹۰ دقیقه زمان می‌برد اگر یک نشست خواندش کنید